



تزام حقوق و تکالیف زوجین در فرض اختلال عملکرد جنسی زوج

زهراراستی^۱، فاطمه مشایخی^۲

چکیده

روابط جنسی زوجین بر سایر روابط آنها اثرگذار است و تأمین کننده یکی از مقاصد کلان ازدواج یعنی، توالد و تناسل است که وجود احکام متعدد شرعی در این مورد، گواهی بر این مدعاست. بر این اساس، بررسی اختلالات عملکرد جنسی زوجین به ویژه زوج و تأثیر آن بر حقوق ایشان و تزامهای احتمالی در این مورد اهمیت ویژه‌ای دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی این سؤال که آیا تزامی بین حقوق زوج و زوج در فرض اختلال عملکرد جنسی زوج وجود دارد؟ به شیوه تحلیلی- اسنادی انجام شد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که تزامی بین تکلیف زوج به پرداخت نفقه و مهریه و اختلال عملکرد جنسی زوج وجود ندارد و تکلیف زوج به پرداخت آنها امری ثابت است و اختلال عملکرد جنسی زوج سبب اسقاط این حقوق زوج نمی‌شود، اما در فرض بیش‌فعالی جنسی زوج، حق مواقعه زوج به میزان چهارماه یک بار، منتفی بوده و تکلیف زوج به مواقعه، فاقد محدودیت زمانی است که این موضوع نشان دهنده از وجود تزام بین حقوق و تکالیف زوجین در این مورد است. یافته‌ها همچنین بیانگر آن است که قانون‌گذار برخلاف شیوع و تنوع اختلالات جنسی زوج، فقط دومورد از این اختلالات را احصاء نموده است که به نوبه خود سبب تشتت آرای قضایی می‌شود.

واژگان کلیدی: اختلال عملکرد جنسی، عیوب موجب فسخ نکاح، نشوز، اسقاط

حقوق مالی زوج، تمکین خاص زوج، تزام حقوق و تکالیف زوجین.

DOI: 10.22034/ijwf.2024.17011.2152

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷
۱. دانشیار گروه فقه، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران/دانش پژوه دکتری فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: Zahra.rasti@isu.ac.ir

0009-0000-3419-231X

۲. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Mashayekhi@isuw.ac.ir

0000-0002-7439-0991

The Conflict between Couples' Rights and Duties in the Assumption of Sexual Dysfunction of the Wife

Zahra Rasti ¹, Fatemeh Mashayekhi ²

The sexual relations of couples have an effect on their other relations and provide one of the main purposes of marriage, i.e., reproduction, which is evidenced by the existence of many Sharia rulings on this matter. Therefore, investigating the sexual dysfunctions of couples, especially the wife, and its impact on their rights and possible conflicts in this matter, is of particular importance. The purpose of this research is to examine the question of whether there is a conflict between husband and wife's rights in the assumption of sexual dysfunction of the wife. It was conducted in an analytical-documentary way. The findings showed that, contrary to the prevalence and variety of wife's sexual disorders, only two cases of these disorders have been counted by the legislator, which in turn causes confusion in judicial opinions. The results indicated that there is no conflict between husband's duty to pay alimony and dowry and wife's sexual dysfunction, and husband's duty to pay them is a fixed thing, and wife's sexual dysfunction does not cause her rights to be revoked. But in the case of wife's sexual hyperactivity, her right to have intercourse once every four months is excluded, and husband's duty to have intercourse has no time limit, which indicates the existence of a conflict between spouses' rights and duties in this matter. The findings also showed that the legislator, contrary to the prevalence and variety of wife's sexual disorders, has counted only two cases of these disorders, which in turn causes confusion in judicial opinions.

Keywords: sexual dysfunction, defects leading to the dissolution of marriage, disobedience, revocation of wife's financial rights, wife's special obedience, conflicts between spouses' rights and duties.


DOI: 10.22034/IJWF.2024.17011.21525

Paper Type: Research

Data Received: 2023/09/03

Data Revised: 2023/12/01

Data Accepted: 2024/01/17

1. Associate Professor, Department of Jurisprudence, Imam Sadiq University, Tehran, Iran / Ph.D. Student in Jurisprudence of Family, Bent al-Hoda Higher Education Complex, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.
Email: zahra.rasti@isu.ac.ir  0009-0000-3419-231X

2. Ph.D. Student in Jurisprudence and Foundations of Islamic Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Email: mashayekhi@isuw.ac.ir

 0000-0002-7439-0991

۱. مقدمه

خانواده، محور و هسته اصلی اجتماعات بشری بوده و. مسائل جنسی از نظر اهمیت جزو مسائل درجه اول زندگی زناشویی است و سازگاری در روابط جنسی از عوامل مؤثر در خوشبختی می باشد. (علیخانی و اسکندری، ۱۳۹۳) بنابراین، برخورداری زوجین از رضایت و صمیمیت جنسی، یکی از مؤلفه‌های انکارناپذیر تداوم بخش ازدواج و زناشویی است (وطن خواه و بخشی پور رودسری، ۱۳۹۸). اختلالات جنسی یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر فروپاشی خانواده و طلاق است. یافته‌های تحقیق فروتن و جدید میلانی (۱۳۸۷) نشان می دهد که ۶۶٪/۷ مردان و ۶۸٪/۴ زنان مورد مطالعه متقاضی طلاق در شهر تهران از زندگی جنسی با همسرشان راضی نیستند. براساس تعریف سازمان بهداشت جهانی، بهداشت جنسی وضعیت سلامت جسمی، عاطفی، روانی و اجتماعی در رابطه با تمایلات جنسی است که با نبود بیماری، اختلال عملکرد یا ناتوانی جنسی حاصل می شود (سازمان بهداشت جهانی،^۱ ۲۰۲۳). مطالعات انجام شده در جهان نشان می دهد که اختلال عملکرد جنسی بسیار گسترده و در زنان شایع تر از مردان است. (لانگمن و لامپیک و وترگن، ۲۰۲۰؛ میشل، و همکاران،^۲ ۲۰۱۶؛ پاسکولانو، پاسکولوتو، سبریرو و لوکن،^۳ ۲۰۰۵؛ لوئیس، و همکاران،^۴ ۲۰۰۴) این مطالعات، شیوع اختلال عملکرد جنسی در مردان را ۶/۳٪ تا ۳۶/۵٪ و در زنان را ۹/۳٪ تا ۶۳٪ گزارش کرده اند (کوبز و کلین، کلن، هویبر، لو و بریکن،^۵ ۲۰۲۳؛ لیو-استاروویچ و چاکوفسکا،^۶ ۲۰۱۹؛ پلاسیوس، کاستانو و گرازیوتین،^۷ ۲۰۰۹؛ هایمن،^۸ ۲۰۰۲؛ ژزن،^۹ ۲۰۰۰). در ایران نیز تحقیقات متعددی در حوزه پزشکی در مورد اختلالات عملکرد جنسی انجام شده که یافته‌های آنها شیوع این اختلال در زنان ایرانی را از ۱۹/۲٪ تا ۶۸/۴٪ گزارش می دهد (خاکی رستمی، میرغفوروند، ملکوتی، محمدعلیزاده چزندایی، اصغری جعفرآبادی، و قنبری همایی،^{۱۰} ۱۳۹۴؛ باکویی، امیدوار و نصیری،^{۱۱} ۱۳۸۶؛ مزینانی، اکبری مهر، کراسکیان و کاشانیان،^{۱۲} ۱۳۹۱؛ برآبادی، آگاه، قسامی، رحیمی و اکرمی،^{۱۳} ۱۳۹۷). اختلاف بین مقادیر کمینه و بیشینه شیوع این اختلال در مطالعات داخلی و خارجی ناشی از نوع

1. World Health Organization (WHO)
2. Ljungman, L., Lampic, C., & Wettergren, L.
3. Mitchell, K. R., & et al
4. Pasqualotto, E. B., Pasqualoto, F. F., Sobreiro, B. P., & Lucon, A. M.
5. Lewis, R. W., & et al
6. Koons, T. U., Klein, V., Kellen, R. B. D., Hoyer, J., Lowe, B., & Briken, P.
7. Lew-Starowicz & Czajkowska, K.
8. Palacios, S., Castano, R., & Grazziotin, A.
9. Heiman, J. R.
10. Rosen, R. C.



جامعه آماری مورد مطالعه و روش تحقیق به کار رفته است.

مروری بر مطالعات انجام شده در مسئله پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در ایران، فقط تعداد معدودی پژوهش، اختلال عملکرد جنسی و تأثیر آن بر روابط زوجین از نظر فقهی و حقوقی را بررسی کرده‌اند. قیاسی سونکی، حسینی زبیدی و حسینی (۱۴۰۱) در تحقیقی تراحم‌های موجود در حقوق خانواده را با بهره‌گیری از منابع دینی و با ارجاع به مستندات اصولی و فقهی بررسی کرده‌اند. هدایت‌نیا (۱۳۹۹) نیز در کتاب خود آثار اختلال جنسی در حقوق خصوصی خانواده و حقوق عمومی و پیامدهای آن بر ازدواج و نیز انحلال نکاح را بررسی نموده است. کلانتری خلیل‌آباد، رایگان و نیکخو (۱۳۹۹) حقوق مالی زوج و تراحم و تعارض حقوق مالی زوجین را مطالعه کرده‌اند. در پژوهش حاضر هیچ اشاره‌ای به تراحمات حقوق مالی زوج با اختلال عملکرد جنسی نشده است. اسدی (۱۳۸۵) اختلالات و انحرافات جنسی را در قوانین موضوعه ایران و آثار حقوقی آن بررسی کرده است و به این نتیجه دست یافت که در تمام مواردی که زوج از تداوم زندگی زناشویی در عسر و حرج باشد حق طلاق را خواهد داشت و اختلالات و انحرافات جنسی زوج دلیلی برای عسر و حرج است. خورسندیان (۱۳۸۳) در پژوهشی اختلالات جنسی و آثار آن بر حقوق خانواده را بررسی نموده و نتیجه گرفت که اختلالات جنسی در یکی از زوجین، گاه موجب حق فسخ برای طرف مقابل می‌شود و گاه حق طلاق ایجاد می‌کند. فهرستی (۱۳۹۰) نیز با بررسی حقوق جنسی زوجین، عیوب مجوز فسخ نکاح زنان را مطالعه نمود و نتیجه گرفت که داشتن عیوبی مانند قرن و افضاء از عیوب مجوز فسخ نکاح توسط مردان به شرط تحقق الزاماتی است.

بررسی پژوهش‌های انجام شده در این حوزه نشان می‌دهد که تاکنون تحقیقی که تراحم میان حقوق زوج و زوج در فرض اختلال عملکرد جنسی زوج را بررسی کرده باشد، انجام نشده است. پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش‌هاست که تراحم‌های میان حقوق زوجین در صورت وجود اختلال عملکرد جنسی زوج چیست؟ آیا قانون‌گذار، راهکار قانونی برای رفع این تراحمات احتمالی ارائه کرده است؟ در پژوهش حاضر از نوع بنیادی-کاربردی است به روش تحلیلی-اسنادی انجام شد آرای فقها و حقوق دانان، فتاوی‌ای مراجع عظام و نیز نظریات مشورتی و رویه محاکم خانواده در این مورد بررسی شده است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

۱-۲. مفهوم شناسی اختلال عملکرد جنسی

مشکلات جنسی در سه دسته اختلال عملکرد جنسی^۱، اختلال هویت جنسی^۲ و انحراف جنسی^۳ طبقه بندی می شوند. (بوگارا و کلامینی، ۲۰۱۳^۴) اختلال عملکرد جنسی، مشکلاتی است که در یک یا چند مرحله از مراحل آمیزش جنسی بروز پیدا می کند و سبب کاهش لذت جنسی یا عدم دست یابی به اوج لذت جنسی می شود (ساراسون و ساراسون، ۱۳۹۰). اختلال عملکرد جنسی ممکن است هم در مردان و هم در زنان وجود داشته باشد. در پژوهش حاضر، اختلال عملکرد جنسی در زنان بررسی شد. براساس تعریف انجمن روان پزشکی آمریکا در ویرایش پنجم راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی^۵ اختلال عملکرد جنسی زنان به اختلال ارگاسمی (ارضاء) زنان، اختلال علاقه یا برانگیختگی جنسی زنان، درد تناسلی لگنی، اختلال دخول، اختلال عملکرد جنسی ناشی از مواد یا دارو، سایر اختلالات جنسی مشخص و اختلال عملکرد جنسی نامشخص اطلاق می شود (انجمن روان پزشکی آمریکا، ۲۰۲۲^۶). در ادبیات فقهی اسلام و حقوق ایران فقط به برخی از اختلالات عملکرد جنسی زنان مانند افضاء و قرن به عنوان علل فسخ نکاح اشاره شده است.

یکی از اختلالات شایع عملکرد جنسی، بیش فعالی جنسی^۷ است. این اصطلاح نخستین بار در سال ۱۹۶۵ میلادی توسط کرافت ابینگ و کلاف^۸ در بیان میل جنسی افراطی و غیرطبیعی در اروپای غربی مطرح شد. بیش فعالی جنسی نوعی اختلال در عملکرد جنسی و یکی از علائم شیدایی جنسی در هر دو جنس زن و مرد است. (العیسأ، ۲۰۱۳) یکی از ویژگی های بالینی قابل توجه در بیش فعالی جنسی، فقدان مکانیسم تنظیم طبیعی است که سبب می شود افراد مبتلا از نظر جنسی، سیری ناپذیر شوند. ارضای جنسی یا ارگاسم در این افراد، میل آنها به تحریک جنسی در آینده را یا کاهش نمی دهد و یا آن را فقط برای



1. Sexual dysfunction
2. Gender identity disorder
3. paraphilia
4. Bhugra, D. & Colmbini, G.
5. DSM-5-TR
6. American Psychiatric Association
7. Sexual hyperactivity
8. Krafft-Ebing, R. & Klaf, F. S.
9. Al-Issa, I.

یک دوره زمانی بسیار کوتاه کاهش می دهد (کاپلان، ۲۰۱۵).

۲-۲. مفهوم شناسی عیوب موجب فسخ

عیوب موجب فسخ نکاح عیوبی است که به هریک از زوجین این امکان را می دهد که پس از طی مراحل قانونی به فسخ نکاح اقدام کنند. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران در مواد ۱۱۲۱ تا ۱۱۲۳ به طور صریح، عیوب موجب فسخ نکاح را مطرح کرده است. ماده ۱۱۲۱ به جنون از عیوب مشترک زن و مرد و مواد ۱۱۲۲ و ۱۱۲۳ به ترتیب به عیوب موجب حق فسخ برای زن و مرد اشاره دارد. براساس ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی، سه عیب خصاء، عنن و مقطوع بودن آلت تناسلی (به اندازه ای که قادر به عمل زناشویی نباشد) در مرد موجب حق فسخ برای زن است. براساس ماده ۱۱۲۳ همین قانون، شش عیب قرن، جذام، برص، افضاء، زمین گیری و نابینایی از هردو چشم در زن، موجب حق فسخ برای مرد می شود. عیوب مطرح شده زمانی موجب فسخ نکاح می شود که هریک از زوجین پس از عقد نکاح پی به عیب طرف مقابل برده باشد. این امر به طور صریح در ماده ۱۱۲۶ قانون مدنی تأکید شده است. براساس این ماده، علم به عیوب مذکور (مواد ۱۱۲۱ تا ۱۱۲۳ قانون مدنی) توسط هریک از زوجین امکان فسخ نکاح را از وی سلب می کند. ماده ۱۱۲۴ این قانون به طور خاص تصریح می کند که عیوب زن در صورتی موجب حق فسخ برای مرد است که در حال عقد وجود داشته باشد.

۲-۳. مفهوم شناسی حقوق مالی و غیرمالی زوجین

اسلام در مورد حقوق خانوادگی زن و مرد فلسفه خاصی دارد و برای زن و مرد حقوق و تکالیفی وضع کرده است. برخی از این حقوق بین زن و شوهر مشترک و برخی دیگر خاص هریک از آنهاست. حقوق زوجین را می توان به سه دسته حقوق مشترک زوجین، حقوق اختصاصی زن بر مرد و حقوق اختصاصی مرد بر زن تقسیم کرد. براساس این طبقه بندی، حقوق مشترک زوجین شامل حق مالکیت خصوصی، حق توارث، حسن معاشرت، آراستگی ظاهر، تأمین نیاز جنسی و احترام متقابل است. مراد از حق توارث آن است که زنان نیز مانند مردان سهم مشخصی از ارث می برند و منظور از حق مالکیت خصوصی این است که اسلام زن را مانند مرد در تملک، تصرف و تمتع از اموالش به رسمیت می شناسد و حق

مالکیت را از حقوقی می‌داند که مشترک بین زن و مرد است. (العبدالخانی، ۱۳۹۹)

حقوق اختصاصی مرد بر زن شامل پذیرش ریاست شوهر، تمکین زن نسبت به مرد، تبعیت از مرد در محل اقامتگاه و مسکن، تبعیت از مرد در خروج از منزل و ورود دیگران به منزل و تبعیت از مرد در اصل شاغل بودن و نوع شغل است. حقوق اختصاصی زن بر مرد بعد از ازدواج به دو دسته حقوق مالی و غیرمالی تقسیم می‌شود. حقوق مالی که شوهر مکلف به رعایت آن است دربرگیرنده حق نفقه، حق مهر و حق میراث است. حقوق غیرمالی زن شامل حق برخورد نیک شوهر در برابر زن، اکرام و مدارا، مراقبت‌های دینی و اخلاقی، اجازه ملاقات و رفت‌وآمد با والدین و دوستان و انجام وظایف زناشویی توسط مرد است (موسوی بجنوردی و مهرگان صومعه‌سرای، ۱۳۹۶).

۴-۲. مفهوم‌شناسی نشوز

نشوز از ماده نشز به معنی زمین مرتفع است. (قرائتی، ۱۳۸۸، ۶۰/۲؛ راغب اصفهانی، ۱۳۶۳، ۳۷۷/۴) نشوز به آرام ناگرفتن و ترفع و استعلا نیز معنا شده است (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ هـ.ق، ۱۳۲/۶). این واژه، وقتی در مورد زن و مرد به کار می‌رود به معنی سرکشی و طغیان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۵۰/۴). در آیات ۳۴ و ۱۲۸ سوره نساء با اشاره به این آفت اجتماعی، چگونگی درمان یا رویارویی با آن به تناسب جایگاه و نقشی که هریک از زن و مرد در فرآیند ازدواج دارند، مطرح شده است (قبادی، ۱۳۹۳). مشتقات واژه نشوز، پنج بار در قرآن به کار رفته است که دومرتبه آن به صورت مصدر نشوز، دومرتبه به صورت فعل امر و یک مرتبه به صورت فعل مضارع از باب افعال استعمال شده است (مصطفوی فرد، ۱۳۹۱).

از نظر فقهی، نشوز هریک از زن و شوهر بدین معناست که از وظایف همسری خود سر باز زنند. (مغنیه، ۱۳۸۷، ۴۹۶/۲) در منابع فقهی، مصادیق نشوز زن شامل ناسازگاری، گردن‌کشی، ستیزه‌جویی، تخلف و تمرد از فرمان شوهر، بدخلقی، کراهت و نفرت از شوهر، بغض و بدخواهی نسبت به وی، بی‌اذن او از خانه خارج شدن، به‌جا نیاوردن وظایفی که در برابر او برعهده دارد، تمکین نکردن، پیرایش نکردن خود از آنچه با استمتاع زوج ناسازگار است و در وی ایجاد نفرت می‌کند، عصیان و مخالفت برتری طلبانه با شوهر و سر باز زدن از اطاعت مرد است (قبادی، ۱۳۹۳). نشوز در باب نکاح به کار می‌رود و در مورد خروج هریک از زوجین از

وظایفی است که در برابر دیگری دارد (مشکینی اردبیلی، ۱۳۷۷). نشوز زوجه (زن)، خروج و سرپیچی وی از وظایفی است که برعهده او واجب شده است و نشوز زوج، سرپیچی او از وظایفی است که برعهده اوست.

۲-۵. مفهوم شناسی تزاحم

تزاحم در زبان فارسی به معنای گردآمدن گروهی بر چیزی، تلاطم امواج و راندن برخی از آنها برخی دیگر را در یک تنگناست. (دهخدا، ۱۳۳۴، ۶۵۳/۲) این واژه در فارسی به رنج، آزدگی، به هم فشار آوردن، یکدیگر را در تنگنا گذاشتن و با هم رقابت کردن معنا شده است (عمید، ۱۳۸۱). تزاحم در اصطلاح، تنافی بین دو حکم به سبب عدم قدرت مکلف بر جمع بین آن دو در عالم امتثال است (صدر، ۱۴۱۷ ه.ق، ۲۶/۷؛ کیخا، چراغی پور و عباسی، ۱۳۹۸). از نظر علامه مظفر در کتاب *اصول الفقه*، تزاحم بین دو دلیل گاهی از نظر ملاکات و مصلحت و مفسده و گاهی از نظر مقام امتثال است (مظفر، ۱۳۸۳، ۲۱۴/۳). شهید صدر در تعریف تزاحم می فرماید: «تزاحم عبارت است از: تنافی بین دو حکم به دلیل قادر نبودن مکلف بر جمع این دو حکم در مقام امتثال» (صدر، ۱۴۱۷ ه.ق، ۲۶/۷). آیت الله حکیم می گوید: «مراد از تزاحم آن است که دو حکم شارع مقدس صادر شود و با هم در مقام امتثال منافات داشته باشند که این منافات به دلیل عدم قدرت مکلف بر جمع بین این دو حکم باشد همان طور که در غالب موارد باب تزاحم همین است یا اینکه از خارج، دلیلی داریم که جمع بین دو حکم اراده نشده است» (حکیم، بی تا). خاستگاه بحث تزاحم در اصول فقه، مباحثی مانند اجتماع امر و نهی، ترتب، دلالت امر بر نهی از ضد، تعارض ادله و امثال آنهاست (مشکینی اردبیلی، ۱۳۷۴). تزاحم به معنای ناسازگاری و تمناع دو حکم دارای دو ملاک جعل به سبب عدم قدرت و عدم امکان جمع بین دو امر در مقام امتثال توسط مکلف است (صدر، ۱۴۱۷ ه.ق، ۴۵۵/۱). در یک تقسیم بندی کلی، تزاحم به دو نوع تزاحم امتثالی و تزاحم ملاکی طبقه بندی می شود. تزاحم امتثالی به معنای تنافی میان دو یا چند حکم فعلی در مقام امتثال است؛ یعنی علت تنافی و تزاحم، عجز و ناتوانی مکلف از اجرای آن احکام در یک زمان است. منظور از تزاحم ملاکی آن است که گاهی یک فعل از سویی مصلحتی دارد و به همین دلیل مورد تأیید شارع است. از وجه دیگر، همان فعل دارای مفسده است و مبعوض مولا قرار می گیرد که لازمه آن، نهی مولا از آن است. (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹) در طبقه بندی دیگر، تزاحم



شامل تراحم دائمی، تراحم اتفاقی و تراحم در موارد غالبی است (شبیروی زنجانی، ۱۳۸۳، ۷۳۴/۲).

۶-۲. مفهوم شناسی تمکین

تمکین واژه‌ای عربی است که در زبان فارسی به فرمان بردن، قبول کردن و فرمانبرداری معنا شده است. (معین، ۱۳۸۶) از نظر فقهی، تمکین بر دو قسم است: تمکین عام و تمکین خاص. منظور از تمکین عام در شارع مقدس اسلام حسن معاشرت، فرمانبرداری و اطاعت زن از شوهر و پذیرش ریاست او بر خانواده و امور فرزندان است. مراد از تمکین خاص آن است که زن به شوهر خود اجازه دهد که در هر زمان و در هر مکان و نسبت به هر موضعی از بدن که از نظر شرعی فاقد اشکال باشد درحد متعارف با وی رابطه جنسی داشته باشد و از این راه نیازهای جنسی خود را مرتفع کند (نجفی، ۱۳۶۲، ۳۰۷/۳۱، جبعی عاملی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۳۶۱/۸، بحرانی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۱۰۳/۲۵). شرط تحقق این امر نداشتن عذر شرعی از جمله حیض و نفاس است.

۷-۲. مفهوم شناسی نفقه

نفقه از ریشه نفق و به معنای چیزی است که خرج و مصرف می‌شود. (قرشی، ۱۳۷۱، ۹۸/۷) نفقه از نظر لغوی به چیزی می‌گویند که انفاق و بخشش کنند یا صرف هزینه اولاد و عیال کنند (معین، ۱۳۸۶). نفقه در زبان عربی عبارت است از: «آنچه برای خود و خانواده خرج کرده و خرج می‌کنی» (الفراهیدی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۱۷۷/۵). این واژه را همچنین می‌توان به تأمین هزینه متعارف زن در خانواده توسط مرد نیز معنا کرد (علوی قزوینی و قشلاقی، ۱۳۹۵). انفاق (نفقه) از نظر حقوقی، صرف هزینه خوراک، پوشاک، مسکن و اثاث خانه به قدر رفع حاجت و توانایی انفاق‌کننده (درمورد نفقه اقارب) و خوراک، پوشاک، مسکن، اثاث خانه و خادم در حدود مناسب عرفی با وضع زوجه است. براساس ماده یک قانون اصلاحی از مواد قانون مدنی مصوب سال ۱۳۸۱ تعریف نفقه در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی بدین صورت اصلاح شد: «نفقه عبارت است از: همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض».

به استناد ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی در عقد دائم، نفقه زن برعهده شوهر است. در ادبیات فقهی، تعریف نفقه همراه با مصادیق آن است و به همین دلیل بیشتر اختلاف‌ها به مصادیق



برمی‌گردد. (خزایی، ۱۳۹۵) به نظر می‌رسد مفهوم نفقه در فقه، مفهومی عرفی است و شارع مقدس آن را به عرف واگذار کرده است که عنصر زمان و مکان در آن نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. قرآن کریم نیز این موضوع را تأیید می‌کند؛ زیرا تمام آیاتی که مسئله نفقه را مطرح می‌کنند آن را احاله به عرف داده‌اند (معصومی واشتری ماهینی، ۱۳۹۷). امام خمینی رحمته‌الله علیه نفقه را فقط با یکی از سبب‌های سه‌گانه زوجیت، قرابت و ملک واجب می‌داند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ۲/۳۳۴). هدف از بررسی نفقه در اینجا و مهریه در بخش بعد آن است که این دوازده حق مالی زوجه است و تکلیف زوج به پرداخت آن در فرض اختلال عملکرد جنسی زوجه باید بررسی شود.

۲-۸. مفهوم شناسی مهریه

مهریه واژه‌ای عربی است که در لغت فارسی به مهر، کابین و نیز مقدار مال یا وجهی که به هنگام عقد ازدواج یا پس از آن، شوهر در عوض تمتع به زن می‌دهد و باید مقدار آن معلوم باشد، معنا می‌شود. (معین، ۱۳۸۶؛ خانلری، ۱۳۸۶؛ راغب اصفهانی، ۱۳۶۳، ۳/۳۹۰) مهر به فتح میم به معنای صداق نیز است (پارسا، ۱۳۸۱). لغات دیگر مترادف مهر در عربی، صداق، نحلّه، فریضه است. این واژه در قرآن مجید به کار نرفته و از لغات معادل آن استفاده شده است (محقق داماد، ۱۳۸۴). صداق در فقه، مال یا نفقه‌ای است که انتفاع از آن از نظر شرعی جایز باشد و آن را برای زن قرار دهند (خانلری، ۱۳۸۶). مهریه، مالی است که زوج با عقد ازدواج به زوجه می‌پردازد (مشکینی اردبیلی، ۱۳۷۷). در اصطلاح، مهر عبارت است از: مال یا چیزی که قائم به مال باشد و زوج به هنگام عقد نکاح از راه‌های متعارف به زوجه می‌دهد یا به نفع زوجه برگردن می‌گیرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶). مهر آن چیزی است که مسلمان آن را تملیک کند، خواه عین باشد یا منفعت، زمین کشاورزی باشد یا حیوان. مهر آن چیزی است که دوطرف بر آن توافق داشته باشند (نجفی، ۱۳۶۲، ۳/۳۱۰، بهمن پوری و جعفرپور، ۱۳۹۶).

در ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی آمده است: «هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد می‌توان مهر قرار داد». در ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی آمده است: «به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید». از نظر حقوقی، مهر، مال معینی است که برسبیل متعارف، زوج به هنگام عقد نکاح به زوجه می‌دهد و یا به نفع زوجه برگردن می‌گیرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶). مهر یا صداق از نظر حقوقی، مالی است که زن با ازدواج



مالک آن و مرد به دادن آن ملزم می‌شود (صفایی و امامی، ۱۳۸۷، ۱۶۶/۱). مَهْر، مقدار مالی است که زوج پرداختن آن را به زوجه در هنگام انعقاد عقد نکاح یا پس از آن برعهده می‌گیرد و بدین ترتیب ذمه زوج به تأدیه آن مشغول و زوجه نیز با جاری شدن عقد نکاح مالک آن می‌شود (حاجی پور، ۱۳۹۴).

۹-۲. تمکین با وجود اختلال عملکرد جنسی زوجه

در صورت وجود اختلال عملکرد جنسی زوجه سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا تمکین خاص از وی ساقط می‌شود یا خیر. در پاسخ باید گفت که فقهای عظام در باب دو عیب رتق یعنی، مسدود بودن مدخل آلت تناسلی زن به‌طوری که امکان مقاربت را سلب کند و قرن یعنی، مانع گوستی در عضو تناسلی زن که مانع انجام لقاح می‌شود حکم به جواز حق امتناع از تمکین توسط زوجه داده می‌شود و در این حالت، زوجه ناشزه محسوب نمی‌شود. اگر زوجه در هنگام عقد نکاح واجد چنین عیوبی باشد زوج حق فسخ نکاح را دارد، ولی در مورد سایر اختلالات عملکرد جنسی و ضعف جسمانی زوجه به‌طوری که توان مواقعه با زوج را نداشته باشد، مستند بیشتر فقها به جواز عدم تمکین زوجه قواعد فقهی لاضرر و لاجرح است. فقها بر اساس قاعده لاضرر و لاجرح معتقدند که اگر انجام مواقعه و نزدیکی موجب آسیب و ضرر و مشقت برای زوجه باشد، زوجه حق امتناع از تمکین خاص را دارد و این موضوع مانع حق نفقه وی نیز نمی‌شود. (نجفی، ۱۳۶۲، ۳۱/۳۱۲) در مواردی که به دلیل بیماری زن، پزشک آمیزش را برای وی ممنوع می‌کند، دستور پزشک به منزله عذر موجه (جواز) عدم تمکین است (محقق داماد، ۱۳۸۴). بر اساس مطالب ذکر شده به نظر می‌رسد که زوجه در صورت ابتلا به اختلال عملکرد جنسی، حق امتناع از تمکین خاص را دارد، ولی این امر به معنای مجوز برای عدم تمکین بر سایر استمتاعاتی که فاقد ضرر بر وی نمی‌باشد، نیست.

۱۰-۲. حق فسخ نکاح توسط زوج در صورت اختلال عملکرد جنسی زوجه

روح حاکم بر آیین اسلام، تقویت ارکان خانواده است و هرگز تمایلی بر تعجیل در جدایی زوجین ندارد. از این رو، در مواردی مجوز طلاق یا فسخ نکاح داده است که در ادامه زندگی، مفسده‌ای بزرگ نهفته باشد که بر مصلحت اندک ادامه زندگی توقف داشته باشد.



(مرفاتی خوبی و مرفاتی، ۱۳۸۹) در مورد نسبت ماهوی اختلال عملکرد جنسی و عیوب موجب فسخ باید گفت که اختلال عملکرد جنسی، آسیبی روان شناختی است و در دسته اختلال های روانی طبقه بندی شده است. مبتنی بر این ضابطه، اختلال عملکرد جنسی متمایز از عیوب موجب فسخ یا عیوب جنسی است؛ زیرا عیوب جنسی، منشأ عضوی یا فیزیکی دارند و ماهیت روان شناختی ندارند. با این حال، مرزبندی میان اختلال عملکرد جنسی و عیوب جنسی با ملاک مزبور دقیق نیست. اختلال عملکرد جنسی ممکن است ناشی از آسیب های بیولوژیک باشد. به نظر می رسد که اختلال عملکرد جنسی در دانش روان شناختی و عیوب موجب فسخ نکاح در فقه اسلامی مصادیق مشترک داشته باشد. نسبت عیوب موجب فسخ در فقه و حقوق با اختلال عملکرد جنسی، عموم و خصوص من وجه است (هدایت نیا، ۱۳۹۹). در حقوق ایران برخی از مشکلات جنسی مربوط به ناکارایی یا ضعف در دستگاه یا سایر اندام های بدن مانند ناتوانی جنسی و آمیزشی، بیماری های مقاربتی مسری و صعب العلاج که در روابط جنسی تأثیر می گذارد موجبات حق فسخ نکاح را فراهم می کند. برخی از بیماری ها یا معلولیت ها باعث ایجاد حق فسخ نکاح برای طرف مقابل می شود و برخی دیگر مانند نازایی درکنار بیماری های مقاربتی و سایر اختلالات جنسی، حق طلاق را برای زوجین ایجاد می کند. (خورسندیان، ۱۳۸۳) براساس ماده ۱۱۲۳ قانون مدنی، عیوبی مانند قرن، جذام، برص، افضاء، زمین گیری و نابینایی از هردو چشم موجب حق فسخ برای مرد می شود. براساس ماده ۱۱۲۴ قانون مدنی، این عیوب در صورتی موجب حق فسخ برای مرد است که عیب مزبور در حال عقد وجود داشته باشد، ولی چون مرد حق انحصاری طلاق را دارد قانون گذار به استثنای عیوب قرن و افضاء در زوجه در مورد سایر اختلالات عملکرد جنسی زوجه که موجبات حق فسخ برای مرد را فراهم می کند در ماده جداگانه ای تعیین تکلیف نکرده است.

از نظر فقهی نیز استناد به قاعده تدلیس، قاعده لاضرر و شرط ارتکازی سلامت زوجین در هنگام عقد نکاح، برای حق فسخ عقد نکاح توسط زوج چون ضرر مرد با طلاق جبران می شود اشکال وارد شده است، ولی به واسطه اینکه معنای طلاق، اقرار به اصل نکاح است و باعث ثبوت نصف مهریه بر مرد قبل از آمیزش می شود و این امر برای مرد ضرر محسوب



می‌شود نسبت به مرد هم باید ثابت باشد. در عیوب موجب فسخ مقتضای قاعده تدلیس، منظور عیوب قبل از عقد یا مقارن با آن است، اما اگر عیوب، بعد از عقد پدید آیند برای اثبات حق فسخ نمی‌توان به روایات تدلیس و به قاعده لاضرر استناد کرد؛ زیرا روایات تدلیس در مورد عیوب قبل از عقد وارد شده‌اند. در مورد عیوب بعد از عقد تدلیسی وجود ندارد. مضمون قاعده لاضرر این است که اگر تطبیق آن قاعده برای این باشد که فسخ، حقی عقلایی بوده و سلب آن باعث ضرر می‌شود، واضح است که از نظر عقلایی، نسبت به عیوب بعد از عقد حق فسخ ثابت نیست. (محمدی، ۱۳۹۸)

۱۱-۲. تزامم تکالیف زوجین در صورت اختلال جنسی زوج

در مقام حل تزامم حقوق زوجین، گاهی فقیه با استفاده از ادله چهارگانه کتاب، سنت، عقل و اجماع، حکم صادر می‌کند و به حل تزامم می‌پردازد. در برخی از موارد تزامم، نص شرعی مبنی بر اهرم بودن حق یکی از طرفین وجود دارد. در چنین شرایطی، مشهور، حکم بر مقدم بودن حق طرفی دارد که نص شرعی مبتنی بر تقدم حق وی وجود دارد مانند تقدم حق زوج بر جواز خروج زوجه از منزل بر حق زوجه در صلح‌رحم که مشهور، حکم بر حرمت خروج زوجه از منزل داده‌اند و یا حق حج واجب زوجه که همه فقها بالاجماع آن را مقدم بر حقوق زوج می‌دانند. در برخی موارد تزامم حقوق زوجین، مترتب بر عناوین و احکام ثانوی مانند عسر و حرج، ضرورت، اضطرار، ضرر و... به عنوان استثنا بر احکام اولیه آن و گاه به صورت ارائه راهکاری برای حل تزامم در مسائل مستحدث است. در این موارد راهگشای حل تزامم، شناخت دقیق و جامع از این اصطلاحات و تطبیق آن با مصادیق حل تزامم است. معیار در تفسیر مفاهیمی مانند اضطرار، ضرر و عسر و حرج که شارع در مورد آنها تفسیر خاصی ندارد عرف عام و معیار در تطبیق این مفاهیم بر مصادیق، تشخیص و اطمینان مکلف و متصدی اجرای حکم است. (علی‌دوست، ۱۳۹۰)

۱۱-۲-۱. تزامم تکلیف زوجه بر تمکین با تکلیف زوج به پرداخت نفقه در صورت اختلال عملکرد جنسی زوجه

زن ممکن است به دلیل بیماری به طور کلی یا نسبی قادر به تمکین نباشد. فقهای عظام، مریضه را مستحق نفقه می‌دانند. اختلال عملکرد جنسی نوعی بیماری است. در صورت



ابتلای زوجه به اختلال عملکرد جنسی مبتنی بر این نظریه که عقد را سبب نفقه و نشوز را مسقط آن می‌داند (نجفی، ۱۳۶۲، ۱۲۳/۳۱) زن مبتلا به اختلال عملکرد جنسی به‌طور کلی، مستحق نفقه است؛ زیرا به‌هیچ‌وجه در تعریف نشوز قرار نمی‌گیرد و در عدم تمکین معذور است. بر مبنای نظریه دیگری که تمکین را شرط می‌داند (ر.ک.، محقق حلی، ۱۴۰۸ ه.ق، ۲/۲۹۱) حکم مسئله تا حدودی متفاوت خواهد بود. بر اساس نظر مشهور، عیوب یا بیماری‌هایی مانند قرن و رتق، فقط مانع وطی است و مریضه به جز وطی، قابل استمتاع است. به همین دلیل، وی مستحق نفقه شمرده شده است. حال اگر به دلیل نوع بیماری، زن به‌طور کلی غیرقابل استمتاع باشد، مستحق نفقه شناخته نمی‌شود و حکم وی مانند صغیره‌ای است که به‌طور کلی قابل استمتاع نیست و بر اساس نظر مشهور حقی بر نفقه ندارد (هدایت‌نیا، ۱۳۹۹).

برخی از مصادیق اختلال عملکرد جنسی مانند انزجار یا تنفر جنسی که در آن زن یا مرد انزجار از ارتباط جنسی با همسر خود دارد، قابلیت استمتاع را از بین می‌برد. این عارضه ممکن است فراگیر باشد و شامل تمام انواع محرک‌های جنسی نیز بشود مانند برخی بیماری‌های پوستی که ممکن است نفرت ایجاد کند و باعث دوری شوهر از همسر شود. این قبیل بیماری‌ها یا عیوب برخلاف عیوبی مانند رتق یا قرن مانع هرگونه استمتاع می‌شود. به همین دلیل، حکم به ثبوت نفقه چنین زنی بر مبنای نظریه مشهور دشوار است. در ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی آمده است: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود». ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی تصریح می‌کند: «همین‌که نکاح به‌طور صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل یکدیگر برقرار می‌شود». مقتضای جمع این دو ماده آن است که اگر مانع تمکین زن مشروع باشد وی مستحق نفقه شناخته می‌شود. قانون مدنی موانع مشروع را احصاء نکرده است، ولی می‌توان گفت که عیوب و بیماری‌ها در شمار موانع مشروع قرار می‌گیرند. مؤید این برداشت، ماده ۱۱۲۷ قانون مدنی است که مقرر می‌کند هرگاه شوهر بعد از عقد، مبتلا به یکی از امراض مقاربتی گردد زن حق دارد که از نزدیکی با او امتناع کند و امتناع مزبور مانع حق نفقه نیست. بنابراین، اگر عذر زوجه در عدم تمکین از نظر قانون موجه باشد حق وی بر نفقه ثابت است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ه.ق، ۷/۲۲؛ شبیری زنجانی، ۱۳۸۳، ۲۵/۷۹۹۳؛ نجفی، ۱۳۶۲، ۳۱/۳۱۲).

۲-۱۱-۲. تزامم تکلیف زوجه به تمکین با تکلیف زوج به پرداخت مهریه در صورت اختلال عملکرد

جنسی زوجه

قانون‌گذار در ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مقرر می‌کند: «به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید». در ماده ۱۰۸۷ همین قانون این امر تصریح شده است: «اگر در نکاح دائم، مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد، نکاح صحیح است و طرفین می‌توانند بعد از عقد، مهریه را به تراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی به مهر معین بین آنها نزدیکی واقع شود زوجه مستحق مهرالمثل خواهد بود». براساس ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی قانون‌گذار شرط استحقاق زوجه به کل مهریه را منوط به مواقعه و نزدیکی کرده است: «هرگاه شوهر قبل از نزدیکی، زن خود را طلاق دهد زن مستحق نصف مهر خواهد بود و اگر شوهر بیش از نصف مهر را قبلاً داده باشد، حق دارد مازاد از نصف را عیناً یا مثلاً یا قیمتاً استرداد کند». می‌توان گفت که تکلیف زوج به پرداخت مهریه در صورت اختلال عملکرد جنسی زوجه ساقط نمی‌شود به طوری که اگر ابتلای زوجه به این اختلال قبل از مواقعه باشد، زوج مکلف به پرداخت نصف مهریه زوجه است و اگر این اختلال، پس از مواقعه و طی باشد زوج موظف به پرداخت کل مهریه زوجه است.

۲-۱۱-۳. تزامم نیاز زوجه به مواقعه بیش از چهارماه یک‌بار با تکلیف زوج به مواقعه چهارماه

یک‌بار در صورت اختلال بیش‌فعالی جنسی زوجه

براساس نظر مشهور، حق مواقعه زوجه چهارماه یک‌بار است و وی بیش از آن حقی بر شوهر ندارد. (محقق حلی، ۱۴۰۸ ه.ق، ۲/۲۱۴) به بیان دیگر، در صورت اختلال بیش‌فعالی جنسی زوجه آیا تکلیف زوج به مواقعه همان چهارماه یک‌بار است؟ یا اینکه باتوجه به این اختلال زوجه و اینکه ترک مواقعه ممکن است برای زوجه حرجی باشد و موجبات معصیت را برای او ایجاد کند تکلیف اضافی بر زوج بار می‌شود؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که بنابه تحقیقات قادری، مختاری افرکتی و کیخا (۱۳۹۹) اجماعی بودن این نظر مورد تشکیک است و ادله و مستندات ارائه شده در باب آن کامل نیست و از نظر سند نیز ضعیف است. براین اساس می‌توان گفت که رعایت فاصله چهارماه یک‌بار برای مواقعه را تنها در شرط عذر زوج می‌توان پذیرفت.



اگر پذیرفته شود که از نظر حکم اولی، زوجه در کمتر از چهارماه حقی بر زوج نداشته باشد در صورت تحقق عناوین ثانوی ضرر و حرج، موافقه با وی برای شوهر و جوب ثانوی می یابد. نخستین کسی که متعرض این مسئله شد صاحب عروه است که می فرماید: «اگر زوجه از نظر کثرت میلش قادر بر صبر تا چهارماه نیست به گونه ای که اگر با وی موافقه نشود در معصیت واقع می شود، احتیاط آن است که زوج پیش از تمام شدن چهارماه به موافقه با وی مبادرت ورزیده یا وی را طلاق دهد» (طباطبایی بزدی، ۱۴۲۸ ه.ق، ۲/۲۰۸). از نظر آیت الله خوئی نیز موافقه زوجه بر زوج که میل جنسی فراوان دارد در کمتر از چهارماه واجب است؛ زیرا او را از وقوع در حرام حفظ می کند (موسوی خوئی، ۱۴۱۸ ه.ق، ۱۲۲/۳۲). باتوجه به مطالب ذکر شده، بازنگری فقهی در حوزه حق جنسی زوجه و صدور احکام ثانویه مبنی بر لزوم تمکین زوج با رعایت شرایط سنی، اقلیمی، جسمی و روحی و میزان تمایلات جنسی زوجه لازم و ضروری است (صفدرزاده، شریعتی، روشن و اطلابی، ۱۴۰۱). به نظر می رسد که در صورت بیش فعالی جنسی زوجه به سبب عدم وقوع زوجه در حرام، تکلیف زوج به موافقه بیش از چهارماه یک بار و فاقد محدودیت زمانی است.

۳. بحث و نتیجه گیری

اختلالات عملکرد جنسی در زوجین موجب بروز مشکلاتی در حفظ و بقای خانواده می شود. آمارهای موجود در ایران و جهان نشان می دهد که اختلال عملکرد جنسی به ویژه در زنان بسیار گستره است. براین اساس، پیشنهاد می شود که برای تحکیم خانواده و جلوگیری از فروپاشی آن و نیز کاهش پرونده های قضایی، انجام آزمایش های سلامت جنسی قبل از ازدواج الزامی شود. ازسوی دیگر در نظام حقوقی ایران چون مرد حق انحصاری طلاق دارد، قانون گذار در بیان مصادیق حق فسخ نکاح توسط زوج به استثنای عیوب قرن و افضاء در زوجه در مورد سایر اختلالات عملکرد جنسی زوجه که موجبات حق فسخ برای مرد را فراهم می کند در ماده جداگانه ای تعیین تکلیف نکرده است. بنابراین، به نظر می رسد که برای اجتناب از عملکرد سلیقه ای قضات در مواجهه با اختلالات عملکرد جنسی زوجه که بسیار هم متنوع است قانون گذار حسب مورد در تبصره یا دستورالعمل جداگانه ای اختلالات عملکرد جنسی زوجه و احکام مربوط را احصاء نماید.

بررسی تراحم حقوق و تکالیف زوجین در صورت اختلال عملکرد جنسی زوجه نشان می‌دهد که تکلیف زوج به پرداخت نفقه ثابت است و اختلال عملکرد جنسی زوجه باعث اسقاط حق وی از دریافت نفقه نمی‌شود. همین امر در مورد تکلیف زوج به پرداخت مهریه نیز صادق است، ولی میزان پرداخت نفقه توسط زوج باتوجه به اینکه چنین اختلالی قبل از وقوعه و یا بعد از وقوعه وجود داشته، متغیر است. اگر ابتلای زوجه به این اختلال قبل از وقوعه باشد، زوج مکلف به پرداخت نصف مهریه زوجه و اگر این اختلال پس از وقوعه و وطی باشد زوج موظف به پرداخت کل مهریه زوجه است. در صورت بیش‌فعالی جنسی زوجه که یکی از مصادیق اختلال عملکرد جنسی است، شارع مقدس برای عدم انجام عمل حرام توسط زوجه، حق وقوعه زوجه براساس نظر مشهور یعنی، چهارماه یک‌بار را منتفی و تکلیف زوج به وقوعه را فاقد محدودیت زمانی می‌داند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۹۶). مترجم: انصاریان، حسین. تهران: سازمان دارالقرآن کریم.
۱. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ هـ.ق). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
 ۲. اسدی، لیلا (۱۳۸۵). حق جنسی، اختلال و انحراف در آن در قوانین موضوعه. *نشریه فقه و حقوق خانواده*، ۴۳(۱)، ۳۳-۶۱.
 ۳. باکویی، فاطمه، امیدوار، شبنم، و نصیری، فاطمه (۱۳۸۶). تعیین فراوانی اختلال فعالیت جنسی در زنان متأهل و برخی عوامل مرتبط با آن در شهر بابل (۱۳۸۵). *نشریه دانشگاه علوم پزشکی بابل*، ۴۹(۴)، ۵۹-۶۴.
 ۴. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ هـ.ق). *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*. محقق: ایروانی، محمدتقی، و مقرر، سید عبدالرزاق. قم: دفتر انتشارات اسلامی و وابسته به حوزه علمیه.
 ۵. برآبادی، اعظم، آگاه، ژیلا، قسامی، مریم، رحیمی، زهرا، و اکرمی، رحیم (۱۳۹۷). میزان شیوع اختلالات عملکرد جنسی و عوامل روانی مرتبط در زنان سبزوار. *نشریه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار*، ۱۰(۱)، ۱۰۹-۱۰۶.
 ۶. بهمن پوری، عبدالله، و جعفرپور، سهیلا (۱۳۹۶). جایگاه فقهی و حقوقی مهریه در نظام حقوقی ایران با تأکید بر قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱. *نشریه فقه و حقوق خانواده*، ۲۲(۶۷)، ۱۰۱-۱۲۶.
 ۷. پارسا، فروغ (۱۳۸۱). مباحثی در حقوق زوجه (حق مهریه، حق نفقه) بنابر فقه امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت. *نشریه علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، ۱۲(۴۱)، ۶۱-۸۸.
 ۸. جبیبی عاملی، زین الدین (۱۴۱۶ هـ.ق). *مسالك الافهام*. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
 ۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۶). *ترمیم‌ولوژی حقوق*. تهران: انتشارات گنج دانش.
 ۱۰. حاجی پور، مرتضی (۱۳۹۴). *نقش فرعی مهریه در ماهیت نکاح*. *نشریه مطالعات راهبردی زنان*، ۱۸(۷۰)، ۱۶۹-۱۹۷.
 ۱۱. حکیم، سید محمدتقی (بی تا). *اصول عامه للفقهاء المقارن*. قم: مؤسسه آل‌البيت (ع).
 ۱۲. حلی، جعفر بن حسن (محقق حلی) (۱۴۰۸ هـ.ق). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*. قم: اسماعیلیان.
 ۱۳. خاکی رستمی، زینت، میرغفوروند، مرگان، ملکوتی، جمیله، محمدعلیزاده چزندایی، سکینه، اصغری جعفرآبادی، محمد، و قنبری همایی، سولماز (۱۳۹۴). *اختلال عملکرد جنسی و رفتارهای جست‌وجوی کمک در زنان تازه ازدواج کرده شهر ساری: یک مطالعه مقطعی*. *نشریه پایش پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی*، ۱۴(۶)، ۶۷۷-۶۸۶.
 ۱۴. خالری، حسین (۱۳۸۶). *بررسی فقهی و حقوقی ایجاد حق زن بر مهر*. *نشریه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۱۲(۴۴)-۱۵۸، ۱۲۷، ۴۳.



۱۵. خزایی، احمد رضا (۱۳۹۵). بررسی فقهی حقوقی نفقه با نشوز زوجه. نشریه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، ۱۲(۴۵)، ۲۹-۵۰.
۱۶. خورسندیان، محمدعلی (۱۳۸۳). اختلالات جنسی و بررسی آنان در حقوق خانواده. نشریه پزشکی قانونی ایران، ۱۰(۳۵)، ۱۶۶-۱۷۴.
۱۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۴). لغت نامه. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۳). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن. مترجم: خسروی حسینی، سید غلامرضا. تهران: انتشارات مرتضوی.
۱۹. ساراسون، اروین جی.، و ساراسون، باربارا آر (۱۳۹۰). روان شناسی مرضی: مشکل رفتار غیرانطباقی. تهران: انتشارات رشد.
۲۰. شبیری زنجانی، موسی (۱۳۸۳). کتاب النکاح. قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز.
۲۱. صدر، محمدباقر (۱۴۱۷ ه.ق.). بحوث فی علم الاصول. بیروت: الدار الاسلامیه.
۲۲. صفایی، سید حسین.، و امامی، اسدالله (۱۳۸۷). حقوق خانواده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. صفدرزاده، سیده فائزه.، شریعتی، الهام.، روشن، محمد.، و اطلابی، سکینه (۱۴۰۱). بازکاوی فقهی-حقوقی حق استمتاع زوجه با تأکید بر لزوم مزاج شناسی زوجین. نشریه اسلامی زنان و خانواده، ۱۰(۲۶)، ۳۳-۵۹.
۲۴. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۲۸ ه.ق.). العروه الوثقی مع التعليقات. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۲۵. العبدالخانی، ساجده (۱۳۹۹). جایگاه حقوقی زوجین در زندگی مشترک با توجه به رساله الحقوق. نشریه مطالعات دین پژوهی، ۴(۸)، ۲۳-۴۲.
۲۶. علوی قزوینی، سید علی.، و قشلاقی، سهیل (۱۳۹۵). اثر نشوز زوج در طلاق به درخواست زوجه از منظر فقه و حقوق. نشریه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ۲۱(۶۵)، ۱۰۷-۱۳۰.
۲۷. علیخانی، مصطفی.، و اسکندری، حسین (۱۳۹۳). نظریه پردازی و کشف الگوی فرایند مقابله با اختلالات جنسی آسیب زای منجر به اختلافات زناشویی. نشریه پژوهش های علوم شناختی و رفتاری، ۱۴(۱)، ۱-۱۲.
۲۸. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۰). فقه و مصلحت. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۹. عمید، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی. تهران: نشر امیرکبیر.
۳۰. الفراهیدی، الخلیل بن احمد (۱۴۱۰ ه.ق.). العین. محقق: المخزومی، مهدی.، و السامرائی، ابراهیم. قم: مؤسسه دارالهیجره.
۳۱. فروتن، سید کاظم.، و جدید میلانی، مریم (۱۳۸۷). بررسی شیوع اختلالات جنسی در متقاضیان طلاق مراجعه کننده به مجتمع قضایی خانواده. نشریه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد، ۱۶(۷۸)، ۳۹-۴۴.
۳۲. فهرستی، زهرا (۱۳۹۰). بررسی حقوق جنسی زوجین و چالش های مرتبط با آن (مطالعه موردی: فسخ نکاح و عیوب مجوز آن). نشریه فقه و تاریخ تمدن، ۸(۲)، ۱۲۹-۱۵۲.
۳۳. قادری، محمدعلی.، مختاری افرانکی، نادر.، و کیخا، محمد رضا (۱۳۹۹). چالش های فقهی محدود بودن حق استمتاع زن در چهارماه. نشریه فقه و اصول، ۵۲(۴)، ۱۲۵-۱۴۲.
۳۴. قانون مدنی (۱۳۱۴). تهران: انتشارات دیدآور.
۳۵. قبادی، مریم (۱۳۹۳). نشوز، مصادیق و شیوه های برخورد با آن در قرآن کریم. نشریه تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء علیها السلام، ۱۱(۴)، ۱۳۷-۱۶۰.
۳۶. قرآنی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۳۷. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۸. قیاسی سونکی، خیرالله.، حسینی زبیدی، سید ابوالقاسم.، و حسینی، مصطفی (۱۴۰۱). بررسی فقهی و حقوقی تراحم در حقوق خانواده. تهران: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۳۹. کلانتری خلیل آباد، عباس.، رایگان، محمود.، و نیکخو، سجاد (۱۳۹۹). بررسی اصولی: تعارض، تراحم و تداخل حقوق مالی زوجه. نشریه فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۱۳(۲)، ۹۹-۱۱۰.
۴۰. کیخا، محمد رضا.، چراغی پور، فاطمه.، و عباسی، زهرا (۱۳۹۸). حق سلطنت زن بر بدن و تراحم آن با حقوق زوج. نشریه فقه و حقوق خانواده، ۲۴(۷۰)، ۶۳-۹۰.
۴۱. محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۴). بررسی فقهی حقوق خانواده. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۴۲. محمدی، علی (۱۳۹۸). امکان فسخ نکاح با فرساختن هویت جنسی زوجین. نشریه خانواده در آینه فقه، ۴(۱)، ۷-۳۰.

۴۳. مرقاتی خوبی، عفت السادات، و مرقاتی، سید طه (۱۳۸۹). تأثیر اختلال وازینیسوس در فسخ نکاح. نشریه فقه پزشکی، ۲(۲)، ۲۵-۳۷.
۴۴. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (۱۳۸۹). فرهنگ نامه اصول فقه. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴۵. مزینانی، ربابه، اکبری مهر، ماندانا، کراسکیان، آویس، و کاشانیان، مریم (۱۳۹۱). بررسی شیوع اختلالات عملکرد جنسی در زنان و عوامل مرتبط با آن. نشریه علوم پزشکی رازی، ۱۹(۱۰۵)، ۶۱-۶۷.
۴۶. مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۷۴). اصطلاحات الاصول و معظم ابیاجها. قم: نشر الهادی.
۴۷. مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۷۷). مصطلحات الفقه. قم: نشر الهادی.
۴۸. مصطفوی فرد، حامد (۱۳۹۱). بازخوانی مفهوم نشوز زن و مرد در قرآن. نشریه فقه/اهل بیت (ع)، ۱۸(۶۹)، ۷۶-۱۲۷.
۴۹. مظفر، محمدرضا (۱۳۸۳). اصول الفقه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
۵۰. معصومی، جمشید، و اشتری ماهینی، مریم (۱۳۹۷). اشتغال زنان و عدم تعارض آن با حق نفقه. نشریه نامه الهیات، ۱۱(۴۲)، ۸۱-۹۸.
۵۱. معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی دکتر محمد معین. تهران: انتشارات ادنا.
۵۲. مغنیه، محمدجواد (۱۳۸۷). ترجمه تفسیر کاشف. قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه).
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ ه.ق). کتاب النکاح. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
۵۵. موسوی بجنوردی، سید محمد، و مهرگان صومعه سرایی، بتول (۱۳۹۶). بررسی حقوق و تکالیف غیرمالی زوجین براساس مصلحت خانواده با رویکردی بر نظر امام خمینی (ع). نشریه پژوهشنامه متین، ۱۹(۷۶)، ۲۰-۲۰.
۵۶. موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۵). تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
۵۷. موسوی خوبی، ابوالقاسم (۱۴۱۸ ه.ق). موسوعه الامام الخوئی. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی (ع).
۵۸. نجفی، محمدحسن بن باقر (صاحب جواهر) (۱۳۶۲). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۹. هدایت نیا، فرج الله (۱۳۹۹). اختلال جنسی و حقوق خانواده. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۶۰. وطن خواه، سولماز، و بخشی پور رودسری، عباس (۱۳۹۸). اثربخشی درمان شناختی- رفتاری در بهبود نشانه های اختلال ارگاسم زنان و افزایش دانش و صمیمیت جنسی در زنان مبتلا به اختلال جنسی. نشریه پژوهش های نوین روان شناختی، ۱۴(۵۴)، ۲۵۳-۲۷۲.

61. Al-Issa, I. (2013). *Gender and Psychopathology*. New York: Academic Press.
62. American Psychiatric Association (2022). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, Fifth Edition, Text Revision DSM-5-TR*. Retrieved from <https://www.migna.ir/images/docs/files/000058/nf00058253-2.pdf>, Accessed 7 June 2023.
63. Bhugra, D., & Colmbini, G. (2013). Sexual dysfunction: classification and assessment. *Advances in Psychiatric Treatment*, 19(1), 48– 55.
64. Heiman, J. R. (2002). Sexual dysfunction: overview of prevalence, etiological factors, and treatments. *The Journal of Sex Research*, 39(1), 73- 78.
65. Kaplan, H. S. (2015). *The Sexual Desire Disorders: Dysfunctional Regulation of Sexual Motivation*. London: Routledge.
66. Koops, T. U., Klein, V., Kellen, R. B. D., Hoyer, J., Lowe, B. & Briken, P. (2023). Association of Sexual Dysfunction according to DSM-5 diagnostic criteria with avoidance of and discomfort during sex in population-based sample. *Sexual Medicine*, 11(3), 1- 7.
67. Krafft-Ebing, R., & Klaf, F. S. (1965). *Psychopathia sexualis with especial reference to the antipathic sexual instinct: a medico-forensic study*. United States: Acade Publishing.
68. Lewis, R. W., Fugl-Meyer, K. S., Bosch, R., Fugl-Meyer, A. R., Laumann, E. O., Lizza, E., & et al (2004). Epidemiology/risk factors of sexual dysfunction. *The Journal of Sexual Medicine*, 1(1), 35- 39.
69. Lew-Starowicz, Z., & Czajkowska, K. (2022). Prevalence of sexual dysfunction and

- associated risk factors in Poland. *Archives of Medical Science*, 4(18), 1031- 1040.
70. Ljungman, L., Lampic, C., & Wettergren, L. (2020). Sexual dysfunction among young adults in Sweden- a population-based observational study. *Sexual Medicine*, 8(4), 631- 642.
 71. Mitchell, K. R., Jones, K. J., Wellings, K., Johnson, A. M., Graham, C. A., Datta, J., & et al (2016). Estimating the Prevalence of Sexual Function Problems: the Impact of Morbidity Criteria. *The Journal of Sex Research*, 53(8), 955- 967
 72. Palacios, S., Caetano, R., & Graziotin, A. (2009). Epidemiology of female sexual dysfunction. *Maturitas*, 63(2), 119- 123.
 73. Pasqualotto, E. B., Pasqualotto, F. F., Sobreiro, B. P., & Lucon, A. M. (2005). Female sexual dysfunction: the important points to remember. *Clinics*, 60(1), 41- 60.
 74. Rosen, R. C. (2000). Prevalence and risk factors of sexual dysfunction in men and women. *Current Psychiatry Reports*, 2(3), 189-195.
 75. World Health Organization (2023). *Sexual and Reproductive Health and Research (SRH)*. Retrieved from [https://www.who.int/teams/sexual-and-reproductive-health-and-research-\(srh\)/areas-of-work/sexual-health](https://www.who.int/teams/sexual-and-reproductive-health-and-research-(srh)/areas-of-work/sexual-health), Accessed 5 June 2023.